



بررسی تطابق اصطلاحات زبان، گویش و لهجه در زبان‌های فارسی و روسی و نمونه‌هایی از نزدیکی زبان روسی با گویش‌ها و لهجه‌های فارسی

محسن ابویی مهریزی*

(نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری زبان روسی، گروه زبان روسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: mohsen.abooi@gmail.com



علی مداینی اول**

دانشیار گروه زبان روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: amadayen@ut.ac.ir



علیرضا ولی‌پور***

استاد گروه زبان روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: alreva@ut.ac.ir



چکیده

گویش‌ها و لهجه‌ها حضوری پویا و بایسته در بسیاری از زبان‌ها دارند که افزون بر تنوع بخشی به هر زبان، در بر دارنده مفاهیم و نکات زبانی بسیاریند و می‌توانند نزدیکی به زبان‌های دیگر، بیان کنند. مسئله اصلی این پژوهش، یافتن انطباق مناسب در چند اصطلاح رایج زبانشناسی در گستره گویش‌ها و لهجه‌ها بین دو زبان روسی و فارسی، بر اساس انگاره‌های زبانشناسان هر دو زبان است. در راستای طرح این مسئله، سعی می‌شود تا ویژگی‌هایی از گویش‌ها و لهجه‌های دو زبان بررسی شده و در صورت امکان، طبقه‌بندی آن‌ها و نیز مقایسه آن‌ها با یکدیگر صورت پذیرد. هدف اصلی پژوهش، بازگشایی مفاهیم موجود در قالب هر یک از اصطلاحات مطرح شده از نظر زبانشناسان مطرح هر یک از دو زبان برای معادل‌یابی صحیح و در ادامه پایه‌ریزی طرح تحقیق در زمینه گویش و لهجه‌شناسی می‌باشد. روش تحقیق به صورت بررسی مفهوم اصطلاحات در آرا و انگاره‌های زبان‌شناسان به صورت جزء به جزء، به همراه تجزیه و بررسی و در انتها نتیجه‌گیری در باره این انگاره‌ها و انتخابی مناسب و تطبیق اصولی آن‌ها در زبان دیگر در بخش نخست بوده و در بخش دوم سعی در ارائه ویژگی‌های گویش‌ها و زبان‌ها می‌باشد. در بخش نتیجه‌گیری، بعد از ارائه تعاریف و معادل‌های مناسب، به اهمیت بررسی گویش‌ها و لهجه‌ها برای درک نزدیکی بیشتر میان دو زبان، بویژه در زمینه‌هایی مثل آموزش زبان اشاره می‌شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱

تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۹۹

نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

زبان، روسی، فارسی، گویش، لهجه، معادل‌یابی

کلیه حقوق محفوظ است ۱۳۹۹

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/jflr.2020.302690.728

ابوی مهریزی، محسن، مداینی اول، علی، ولی‌پور، علیرضا. (۱۳۹۹). بررسی تطابق اصطلاحات زبان، گویش و لهجه در زبان‌های فارسی و روسی و نمونه‌هایی از نزدیکی زبان روسی با گویش‌ها و لهجه‌های فارسی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۳ (۱۰)، ۴۷۰-۴۸۳.
Abuei Mehrizi, Mohsen, Madayeni Avval, Ali, Valipour, Alireza (2020). Studding matching of language terms, dialect and accent in Persian and Russian languages with each other and examples of the proximity of Russian language to Persian dialects and accents. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (3), 470-483. DOI: 10.22059/jflr.2020.302690.728

* محسن ابویی مهریزی، دانشجوی دکتری زبان روسی در دانشگاه تهران و فارغ‌التحصیل در رشته آموزش زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس است. زمینه فعالیت وی ترجمه و آموزش زبان روسی است.

** علی مداینی اول، دانشیار گروه زبان روسی در دانشگاه تهران، از سال ۱۹۹۲ در بخش زبان روسی دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه دولتی لومونوسوف مسکو تحصیل می‌کرد و در سال ۱۹۹۸ دوره دکتری رشته زبان و ادبیات زبان روسی را به پایان رساند. کتاب‌های نظام افعال حرکتی پیشنهاددار در زبان روسی از دیدگاه زبان فارسی که در انتشارات اورس مسکو به چاپ سوم رسیده، مقدمه‌ای بر واژه‌سازی روسی (۲۰۰۰) و واژه‌شناسی زبان روسی منتشر شده در سازمان سمت جزو تألیفات ایشان است.

*** علیرضا ولی‌پور، استاد گروه روسی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، فارغ‌التحصیل گروه زبانشناسی مقایسه‌ای، تطبیقی و تاریخی دانشگاه دولتی مسکو است. حیطه‌های مورد علاقه و فعالیت: پژوهش در ترجمه متون کهن روسی، مشکلات ترجمه، ترجمه ماشینی و هوش مصنوعی، آواشناسی همزمانی و در زمانی روسی، زبانشناسی تاریخی و تطبیقی و ادبیات روسی و زبانشناسی اختصاصی زبان روسی و لغت‌نامه‌نویسی.



Studding matching of language terms, dialect and accent in Persian and Russian languages with each other and examples of the proximity of Russian language to Persian dialects and accents



Mohsen Abuei Mehrizi*
(corresponding author)

Ph.D. candidate in Russian Language, University of Tehran,
Tehran, Iran
Email: mohsen.abooi@gmail.com



Ali Madayeni Avval**

Associate Professor of the Russian Language Department, University of Tehran
Tehran, Iran
Email: amadayen@ut.ac.ir



Alireza Valipour***

Professor of the Faculty of Foreign Languages & Literatures, University of Tehran,
Tehran, Iran
Email: alreva@ut.ac.ir

ABSTRACT

Dialects and accents exists in many languages and in addition to diversifying any kind of languages, they contain many concepts and even proximity to other languages. The main issue of this study is to find an appropriate match between several common linguistic terms in the area of dialects and accents between both Russian and Persian languages, based on the linguistic theories. To this end, it is attempted to characterize several dialects and accents between the two languages and, if is possible, to classify them and to compare them. The main purpose of the research, considering the necessity of understanding the concepts proposed in the form of terms for finding equivalents in the other language, Is to reveal these concepts in the form of each of the terms proposed by prominent linguists in each of these two languages in order to find the appropriate equivalence and then to establish a research plan in the field of dialectology. The method of research in section I was to check in detail the concepts of terms in the opinions of prominent linguists along with analyzing them, and systematic matching in another language and in section II, It was attempted to present features of dialects and accents. In the concluding section, after presenting appropriate definitions and equations, it will be clarified the importance of checking dialects and accents for closer understanding proximity of both of these languages, particularly in the fields like language teaching.

DOI: 10.22059/jflr.2020.302690.728

© 2020 All rights reserved.

ARTICLE INFO

Article history:

Received:
13th, July, 2020

Accepted:
1st, August, 2020

Available online:
Autumn 2020

Keywords:

language, Russian,
Persian, dialect, accent,
equation

Abuei Mehrizi, Mohsen, Madayeni Avval, Ali, Valipour, Alireza (2020). Studding matching of language terms, dialect and accent in Persian and Russian languages with each other and examples of the proximity of Russian language to Persian dialects and accents. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (3), 470-483.
DOI: 10.22059/jflr.2020.302690.728

* Mohsen Abuei Mehrizi, graduated from Tarbiat Modares University in field of training Russian language. His main fields of activities are translation and teaching Russian language.

** Ali Madayeni Avval, Candidate of Philology, Associate Professor of the Russian Language Department in University of Tehran. Since 1992 he studied at the Department of the Russian Language of the Philological Faculty of Lomonosov Moscow State University and in 1998 he graduated the postgraduate course. He is the author of the books: *Introduction to Russian Word Formation* (2000); *The system of Russian prefixed verbs of movement (in the mirror of the Persian language; lexicology of Russian language)*. Research interests: grammar, lexicology, semantics and linguistics.

*** Alireza Valipour, professor of Russian department at the Faculty of Foreign Languages and Literatures, University of Tehran, graduated from the Comparative, Comparative and Historical Linguistics Department of Moscow State University. Areas of interest and activity: Research in translation of ancient Russian texts, translation problems, machine translation and artificial intelligence, simultaneous and contemporary Russian phonetics, historical and comparative linguistics and Russian literature, and special linguistics of Russian language and lexicography.

۱. مقدمه

"از لهجه در مقایسه با زبان ادبی، به‌عنوان یک زبان بد، ناصحیح و حتی گاهی خنده‌دار یاد می‌شود؛ حال اینکه برای کسانی که به آن صحبت می‌کنند، زبان بسیار زیبا و شیرینی محسوب می‌شود." [ولی‌پور، ۱۵۸: ۱۳۹۳]

گوش و لهجه در زبان‌های روسی و فارسی جای پژوهش و بررسی داشته، و بیان‌کننده ابعاد گسترده هر یک از این دو زبانند، اما آنچه که ما بعنوان هدف نهایی در این پژوهش دنبال می‌کنیم، در آغاز، تطابق مفهوم گوش و لهجه در زبان‌های فارسی و روسی است که به‌عنوان پایه پژوهش برای تشابهات گوش‌ها و لهجه‌های هر دو زبان بوده و دوم؛ به‌نمونه‌هایی از تشابهات در گوش‌ها و لهجه‌های زبان‌های روسی و فارسی اشاره می‌شود.

هردوی این فرایندها در واقع برای روشن کردن نزدیکی بیشتر این دو زبان است که می‌تواند در بسیاری از موارد، مانند آموزش زبان و ترجمه بکار گرفته شود. تاکید بر تشابهات، همواره راه خوبی برای یادگیری یک زبان خارجی است و حتی دانستن خود این مطلب که زبانی که قصد یادگیری آن وجود دارد دارای تشابهات زیادی با زبان مادری است، می‌تواند تاثیر شگرفی در مسائل انگیزشی زبان آموزان داشته باشد.

"مشخصه بارز هر زبان و از جمله زبان روسی، قانونمند بودن آن است. بدین معنا که تمام اعضای جامعه موظف به رعایت قواعد و قوانین مربوط به آن هستند. این قواعد در فرهنگ لغت‌های زبان روسی و کتاب‌های درسی ثبت شده‌اند. اما برای تعداد زیادی از ساکنین روسیه، لهجه‌ها و گوش‌های مختلف، زبان روزمره و رایج محسوب می‌شوند." [ولی‌پور، ۲۱۹: ۱۳۹۳]

زبان‌شناسان معتقداند که زبان‌های فارسی و روسی هر دو از زبان‌های هند و اروپایی بوده و دارای ریشه مشترکی می‌باشند: "زبان پارسی یا فارسی، آنطور که در ادبیات شرق شناسی روسی نامیده می‌شود (یادآوری می‌کنیم که تا سال ۱۹۳۵، نام اصلی ایران پارس بوده است)، متعلق به شاخه جنوب غربی زبان‌های ایرانی، که مربوط به خانواده زبان‌های هند و اروپایی می‌باشند." [گلاکدکوا، ۲۳: ۲۰۰۱]. واژه‌ها پایه و شالوده زبان‌ها هستند: "قدیمی‌ترین [واژه‌ها] در میان

واژگان روسی هندواروپاییسم‌ها هستند- واژه‌هایی که از دوران همبستگی زبانی هندواروپایی ثبت شده‌اند." [رزنتال و سایرین، ۶۰: ۲۰۰۵]. اما باز کردن ابعاد این همبستگی، تنها با بررسی زبان معیار روسیه و فارسی معیار امروزی (زبان فارسی رسمی رایج در تهران، بعنوان پایتخت، به‌صورت محاوره و کتابی) کافی نمی‌باشد. چراکه "زبان فارسی در طول وجود بیش از هزارساله خود دچار تغییرات آوایی و معنایی گردیده است. به‌دلیل شرایط تاریخی و وضعیت جغرافیایی کشور، زبان فارسی به‌شکل مداوم با بسیاری از زبان‌های هم‌خانواده و غیر هم‌خانواده تداخل داشته است. وام‌واژگان بسیاری به آن نفوذ کرده که بسیاری از آنان کلمات بسیار کلیدی بوده و گستردگی فراوانی در زبان دارند." [غلامی، ۷۹: ۲۰۰۹].

اما نکته جالب این است که بسیاری از گوش‌ها و لهجه‌ها به‌علل مختلفی ویژگی‌های مشترک هند و اروپایی خود را حفظ کرده‌اند. بنابر این بررسی گوش‌ها و لهجه‌های متفاوت زبان روسی و بویژه زبان فارسی (به‌علت تفاوت‌های بیشتر بین گوش‌ها و لهجه‌ها) نتایج بسیار جالبی را در این همبستگی آشکار می‌کند. ضمن اینکه بعضی از گوش‌ها و لهجه‌ها به‌علل مختلفی، تشابهات بیشتری با یک زبان دیگر نشان می‌دهند: "استان‌های گیلان و مازندران به‌علت همجواری با سرزمین‌های روس‌زبان، نسبت به دیگر گوش‌های ایران و زبان فارسی معیار، ارتباطات گسترده تری با زبان روسی داشته‌اند و به‌همین دلیل شمار واژگان دخیل روسی در آن‌ها نسبت به دیگر گوش‌ها بیشتر است..." [گلکار، ۶۷: ۱۳۹۰]

در پایان، خالی از لطف نیست تا به‌نکته مهمی که در باره تعاریف موجود در مورد گوش‌ها و لهجه‌ها به‌کار می‌رود، اشاره کنیم، برای مثال: در بعضی از منابع به دو گوش اجتماعی و جغرافیایی اشاره می‌شود: "تفاوت گوش اجتماعی و جغرافیایی در آن است که گوش اجتماعی مربوط به طبقات و گروه‌های اجتماعی یک‌جامعه است، اما گوش جغرافیایی محدود به مکان جغرافیایی است. البته ترکیب این دو نیز شدنی است." [ایراندخت طلوعی هریس، ۴۱۴: ۱۳۹۲]. موضوع این پژوهش، بیشتر بررسی گوش‌ها و لهجه‌های جغرافیایی است.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد مقایسه گویش‌ها و لهجه‌ها بین دو زبان فارسی و روسی مورد مشابهی یافت نشد، اما بایسته یادآوری است که در هرکدام از این دو زبان و بخصوص زبان روسی منابع مختلفی در مورد گویش‌ها و لهجه‌های گوناگون موجود در این زبان‌ها وجود دارند. در زبان روسی می‌توان به کتاب اطلس گویش‌های زبان روسی (Диалектологический атлас русского языка)، لغت نامه لهجه‌های فولکلور (словарь русских народных говоров)، گویش‌شناسی زبان روسی (русская диалектология)، زبان روستای روسی (язык русской деревни) و ... اشاره کرد.

"برای اولین بار زبان‌شناس روس م. و. لامانوساف (Михаил Васильевич Ломоносов) کارهایی درباره گویش‌های مختلف روسیه ارائه داد. او خود متولد شهر آرخانگلسک بود و بنابراین به‌خوبی با یکی از لهجه‌های شمالی روسیه آشنا بود و خوب هم می‌دانست که گویش‌های روسی متفاوت و گاهی ناهمگونند.

وی برای نخستین بار سه گروه عمده «لهجه‌های روسی» را مشخص کرد: مسکویی، شمالی، اوکراینی که از میان آن‌ها لهجه مسکویی را اصلی قلمداد می‌کند.

لامانوساف به یک نکته مهم دیگر نیز اشاره می‌کند و آن این است که برخلاف گویش‌های مختلف زبان‌هایی که خود به آن‌ها مسلط بود (برای مثال زبان آلمانی)، گویش‌های روسی به یکدیگر شبیه‌اند، به طوری که ساکنان مناطق مختلف روسیه، حرف‌های همدیگر را می‌فهمند. " [ولی پور، ۲۲۱: ۱۳۹۴]

در زبان فارسی اما متأسفانه گویش‌ها و لهجه‌ها، با وجود گستردگی و تنوع بیشتر نسبت به زبان روسی، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. هر چند که به کتاب‌ها و بویژه مقالاتی چند در این مورد به‌نگارش در آمده‌اند:، فرهنگ تطبیقی-موضعی زبان و گویش‌های ایرانی نو، فرهنگ گویش سرزمینی ایران و ... و بطور خاص در باره یک گویش و یا لهجه بخصوص: آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناختی و جستار چند در ریشه‌یابی گزیده‌ای از واژگان گویش همدانی و ... اشاره کرد.

۳. روش پژوهش

در آغاز تلاش می‌شود تا معادل‌یابی مناسبی برای اصطلاحات زبان (язык)، گویش (диалект) و لهجه (говор) در زبان‌های روسی و فارسی ارائه شود. چراکه اساس و شالوده این پژوهش بر اساس این اصطلاحات بنا شده است.

در مرحله بعدی، تلاش می‌شود در سه مقوله دستور زبان، آوا و واژگان از بین گویش‌ها و لهجه‌های مختلف زبان فارسی، به‌مشترکاتی چند بین دو زبان اشاره شود.

۴. معادل‌یابی اصطلاحات کاربردی در گستره

لهجه‌شناسی

پیش از همه، در پژوهشی علمی و دو زبانه که به‌حالت مقایسه بین دو زبان انجام می‌شود، می‌بایست به تفاوت‌های زبانی و درک کلمات، بین گویشوران دو زبان توجه کرد. در واقع یک کلمه به‌عنوان نمود آوایی و نوشتاری یک مفهوم در یک زبان، ممکن است تا حدی، و نه کاملاً با معادل آن کلمه در زبان دیگر تطابق داشته باشد، و اگر جزئی‌تر و دقیق‌تر مفهوم کلمات را با یکدیگر مقایسه کنیم بعضاً به تفاوت‌های آشکاری دست می‌یابیم. در ادامه به بررسی آنچه که به این پژوهش مربوط می‌شود، می‌پردازیم:

وقتی که از دید زبان‌شناسانه به کلمه لهجه در زبان فارسی نگاه می‌کنیم، پیش از همه، به این نتیجه می‌رسیم که بر خلاف زبان روسی، زبان‌شناسان ایرانی تعریف واحدی برای لهجه ندارند. در اینجا قصد داریم به تعریف جامعی از اصطلاحات گویش و لهجه در زبان فارسی بر اساس انگاره‌های زبان‌شناسان بزرگ زبان فارسی دست پیدا کنیم:

۱- به عقیده دکتر پرویز ناتل خانلری: " در ایران امروز ما یک زبان عام و مشترک هست که فارسی خوانده می‌شود و آن زبان رسمی و ادبی است که همه مردمان این سرزمین، خاصه کسانی که خواندن و نوشتن می‌دانند، با آن آشنا هستند و آن را به‌کار می‌برند. اما در عرض زبان فارسی چندین زبان محلی نیز وجود دارد که از آن جمله است: کردی، لری، بلوچی، گیلکی، مازندرانی، طالشی، تاتی، دزفولی، سمنانی و مانند آنها. این گونه زبان‌ها را لهجه می‌نامیم. " [ناتل خانلری، ۱۳۹: ۱۳۴۸].

بر اساس گفته‌های وی، می‌توان گفت: زبان (برای مثال: فارسی) ← به لهجه‌هایی (یا زبان‌های محلی، برای مثال: کردی، لری و ...) تقسیم می‌شود، در سوی مقابل ایشان اصطلاح گویش را بکار نمی‌برند. در واقع وی، لهجه را همان زبان می‌داند که بعلت استفاده در موقعیت جغرافیایی نه چندان بزرگ، در دید مردم، به‌عنوان لهجه نامیده می‌شود. آنچه که واضح است، نظر وی، فاقد بنیه و اساس علمی است.

۲- دکتر علی‌اشرف صادقی: وی در مقاله‌ای با عنوان زبان فارسی و گونه‌های مختلف آن که در سال ۱۳۴۹ انتشار یافته، دیدگاه خود را در باره مفاهیم زبان، گونه، گویش، و لهجه بیان داشته است. وی گفته است: "تا کنون زبان‌شناسان نتوانسته‌اند تعریف‌های دقیق و علمی برای کلمات زبان، لهجه و گویش و فرق آن‌ها با هم بیابند که در کلیه موارد و شرایط و در مورد رابطه زبان‌ها و لهجه‌های خانواده‌های مختلف در کشور های مختلف بتواند به‌کار رود. وارد کردن عامل تفهیم و تفاهم متقابل بین افراد یا وجود آثار مکتوب و غیره برای یک لهجه یا گویش اشکالات فراوانی به‌بار می‌آورد. بنابراین باید زبان و لهجه و گویش را در محدوده هر کشور، با در نظر گرفتن اوضاع زبانی (و احیانا سیاسی) آن تعریف کرد. شک نیست که در این راه انتخاب معیارها تا حدی به‌طور دلخواه و موافق احتیاجات عملی صورت می‌گیرد" [اشرف صادقی، ۶۲: ۱۳۴۹]. در ادامه طبق انگاره‌ها این زبان شناس: "به‌نظر ما، زبان فارسی به‌طور اعم، زبان رسمی کشور ایران است که در مطبوعات و رادیو و تلویزیون و خاصه تهران به‌کار می‌رود. این زبان دارای صورت‌های جغرافیایی مختلفی است که در شهرهای بزرگ نظیر اصفهان، شیراز، مشهد، یزد، کرمان، اهواز، قزوین، قم، کاشان و اراک متداول است. صورت‌هایی از زبان فارسی که در این شهرستان‌ها به‌کار می‌رود برای فارسی زبان تهرانی جز در پاره‌ای موارد جزئی، مفهوم است به‌همین جهت ما آن‌ها را صورت‌هایی از فارسی می‌دانیم و به آن‌ها گونه اطلاق می‌کنیم. اختلافات این گونه های فارسی با خود فارسی از نظر صوت شناسی (فوننتیک و نه واج شناسی که فونولوژی باشد) و صرف و واژگان (لغات) است. از نظر نحوی تقریباً فرقی بین آن‌ها و زبان فارسی وجود ندارد ... اما در جنب این گونه های فارسی، در بعضی شهر های کوچکتر و قراء مجاور آن‌ها یا در اطراف شهر های بزرگ لهجه‌هایی وجود دارد که بدون اینکه مرز دقیقی آن‌ها

را از گونه های نامبرده جدا کند با آن گونه تفاوت دارد. اما تفاوت آن‌ها با فارسی رسمی بیشتر است. فهم این لهجه‌ها اغلب برای فارسی زبان تهرانی مشکل است. از نظر تاریخی، این لهجه‌ها مشتق از فارسی اند که در گذشته به‌علت بعد مسافت و عدم تماس با مراکز که فارسی در آن‌ها رایج بوده، به‌تدریج از فارسی جدا شده‌اند، ولی عناصر غیر فارسی مشتق از زبان‌های ایرانی قدیم یا ماخوذ از خود زبان‌ها و لهجه‌های مجاور نیز گاهی در آن‌ها دیده می‌شود. مثال، لهجه مردم قاین و بعضی لهجه‌های دیگر خراسان است که با گونه مشهد (مرکز استان) تفاوت دارد و برای فارسی زبان تهرانی تا حد زیادی نامفهوم است، ولی دلایل زیادی اشتقاق این لهجه‌ها را از فارسی مدلل می‌سازد. این لهجه‌ها را ما گویش می‌نامیم." [همان، ۶۲ و ۶۳: ۱۳۴۹]

بنابراین انگاره‌های دکتر علی‌اشرف صادقی را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه کرد:

زبان (برای مثال فارسی) ← به‌گونه‌ها (صورت‌های جغرافیایی زبان در شهرهای بزرگ) تقسیم شده و آن‌ها نیز شامل ← لهجه‌ها (لهجه‌هایی که از نظر تاریخی از زبان‌های ایرانی مشتق شده‌اند و نه از فارسی و در کنار زبان فارسی قرار دارند مانند کردی، طبری، پشتو و ...) می‌شوند، از نظر ایشان گویش نیز لهجه‌هایی هستند که فهم آن‌ها برای فارسی زبان تهرانی مشکل است، ولی از نظر تاریخی، مشتق از فارسی‌اند.

۳- اکنون انگاره‌های دکتر محمدرضا باطنی را بررسی می‌کنیم:

"وقتی گفتارهایی را که نام یک زبان واحد بر آن‌ها اطلاق می‌شود، مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که از نظر تلفظ و واژگان و در مقیاسی محدودتر از نظر دستور با هم تفاوت دارند، تا جایی که می‌توان گفت هیچ دو نفری که اهل یک زبان هستند دقیقاً مانند یکدیگر صحبت نمی‌کنند. بنابراین می‌توان گفت هر فرد را به‌اعتبار تفاوت‌هایی که با دیگران دارد، هرچند ناچیز باشد، لهجه فردی آن شخص نامید. با وجود این می‌بینیم که این لهجه‌های فردی را می‌توان در گروه های بزرگتری طبقه‌بندی کرد. مهمترین عامل این دسته‌بندی عامل مکانی است، یعنی می‌توان لهجه‌های فردی را به‌اعتبار تنوع جغرافیایی آن‌ها در گروه‌های بزرگتری قرار داد و هر گروه را یک لهجه محلی نامید. بدین ترتیب ما در زبان فارسی

به لهجه‌هایی چون اصفهانی، شیرازی یزدی و غیره دست می‌ایم. " [باطنی، ۲۴ و ۲۵: ۱۳۵۴]

در ادامه، ایشان به مفهوم گویش نیز اشاره می‌کند:

"در بعضی از کشورها که یک زبان رسمی دارند مانند ایران و فرانسه، زبان‌هایی یافت می‌شود که با ملاکهای زبان‌شناسی زبان‌هایی تمام عیارند بدون توجه به اینکه در گذشته دور یا نزدیکی مربوط به هم بوده اند. ولی این زبان‌ها چون در داخل مرزهای سیاسی این کشورها قرار گرفته‌اند و زبان رسمی نیستند و از طرف دیگر اکثراً خط مستقل و ادبیات جداگانه‌ای ندارند، با زبان رسمی کشور از نظر اجتماعی هم پایه نیستند. در این کشورها مردم ترجیح می‌دهند اصطلاح زبان را برای زبان رسمی کشور به کار برند و این زبان‌ها را با نام دیگری بنامند. در فرانسه به این زبان‌ها Patois می‌گویند و در فارسی می‌توان اصطلاح گویش را برای آن‌ها به کار برد. بدین ترتیب کردی، گیلکی، مازندرانی بلوچی و مانند آن گویش هستند. وقتی اصطلاح گویش را در این مفهوم به کار می‌بریم باید به نکات زیر توجه داشته باشیم:

الف- گویش با لهجه تفاوت دارد: لهجه گونه ای است از یک زبان که با لهجه‌های دیگر آن زبان هسته ارتباطی مشترک دارد ولی گویش‌های یک کشور با یکدیگر و با زبان رسمی هسته ی ارتباطی مشترک ندارند، یعنی سخنگویان آنها، جز موارد حاشیه ای، بدون آموزش سخنان یکدیگر را نمی‌فهمند.

ب- گویشها از روی ملاک های زبان‌شناسی زبان هستند ولی چون زبان رسمی نیستند نام زبان بر آن‌ها اطلاق نمی‌شود.

پ- بنابر تعریف بالا، اصطلاح گویش‌های فارسی بی معنی است زیرا به گیلکی، بلوچی، کردی و غیره باید گفته شود گویش‌های ایران و به گونه هایی چون یزدی مشهدی تهرانی و غیره باید گفته شود لهجه‌های فارسی. وقتی کرد زبان‌ها ترک زبان‌ها گیلکی زبان‌ها و سخنگویان دیگر گویش‌ها فارسی حرف می‌زنند معمولاً لهجه پیدا می‌کنند. به این لهجه‌ها باید گفت لهجه‌ی کردی، لهجه ترکی، لهجه گیلکی و غیره.

ت- بنابر ملاک‌های سیاسی، اگر مردم افغانستان و تاجیکستان تصور می‌کنند زبانی که حرف می‌زنند زبان افغانی و زبان تاجیکی است و فارسی نیست، دیگر ما حق نداریم ملاک‌های زبان‌شناسی را در مقابل آن‌ها بگذاریم، زیرا چنانکه

گفتیم، ملاک‌های سیاسی و ملاک های زبان‌شناسی بر یکدیگر منطبق نمی‌شوند" [باطنی، ۲۹ و ۲۸: ۱۳۵۴].

۴- دکتر یحیی مدرسی در کتاب درامدی بر جامعه شناسی زبان در مورد اصطلاحات زبان، لهجه، گویش و گونه بیان می‌دارد:

"در میان این اصطلاحات، گونه مفهوم عام‌تری دارد. به نظر برخی از زبان‌شناسان، گونه اصطلاحی ختشی است که بطور کلی در هر نوع زبان به کار گرفته می‌شود. بر این اساس، هنگامی که از یک نظام زبانی بدون تاکید بر زبان، لهجه یا گویش بودن آن سخن گفته می‌شود، می‌توان از اصطلاح عام گونه استفاده کرد. اصطلاح گونه در ترکیباتی مانند گونه رسمی، گونه گفتاری، گونه نوشتاری و گونه معیار بیشتر به همین مفهوم عام به کار رفته است. " [مدرسی، ۱۳۲: ۱۳۶۸]

در ادامه او به تبیین اصطلاحات زبان، لهجه و گویش پرداخته است:

"در مورد اصطلاحات زبان، لهجه و گویش مسئله پیچیده‌تری دارد و اختلاف نظرها بیشتر است. زبان‌شناسان دو اصطلاح گویش و لهجه را در مفهومی واحد و گاه در مفاهیمی متفاوت به کار برده‌اند. در این بحث، اصطلاح گویش در مورد تفاوت‌های تلفظی، دستوری و واژگانی گونه های زبانی و اصطلاح لهجه در مورد تفاوت‌های تلفظی آن‌ها به کار گرفته شده است. به این ترتیب، هر زبان ممکن است دارای گویش‌های مختلف (گونه‌هایی که اختلافات واژگانی و ساختاری دارند) و نیز لهجه‌های گوناگون (گونه‌هایی که تنها تفاوت‌های تلفظی دارند) باشد. برای تشخیص زبان و گویش از یکدیگر، به طور کلی از دو گروه معیارهای زبانی و غیر زبانی (سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی و ...) استفاده می‌شود، اما اشکال کار در آنجاست که این معیارها نه مطلق هستند و نه بر یکدیگر مرتبط، و در برخی موارد حتی با یکدیگر در تضاد قرار می‌گیرند. دو گونه زبانی معین ممکن است بر پایه معیارهای زبانی، گویش‌های یک زبان واحد بشمار بیایند، اما بر اساس معیارهای مثلاً سیاسی، زبان‌های جداگانه‌ای محسوب شوند. بنابراین جداسازی و تعریف این مفاهیم کاری است که اگر غیر ممکن نباشد، دست کم بسیار دشوار است. [مدرسی، ۱۳۳: ۱۳۶۸]

دکتر محمد دبیر مقدم با بررسی دیدگاه‌های دکتر

مدرسی در مقاله زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربرد های بومی و جهانی چنین نتیجه‌گیری می‌کند: "وی (دکتر مدرسی) اصطلاح گویش را در برابر dialect و اصطلاح لهجه را در برابر accent به کار برده است." [دبیر مقدم، ۱۰۷: ۱۳۸۷]

۵- دکتر ایران کلباسی در کتاب فارسی اصفهانی می‌آورد: "با جمع‌بندی تعاریفی که در متون زبان‌شناسی برای زبان language، گویش dialect، و لهجه accent آمده است، می‌توان این سه مفهوم را به صورت زیر تعریف کرد:

هر زبان در طول تاریخ خود تحت تاثیر عوامل چندی، از جمله عوامل جغرافیایی، فرهنگی، برخورد زبان‌ها و جز آن، دستخوش دگرگونی‌های فراوان می‌شود که در نتیجه، گونه‌ها و صورت‌های متفاوتی پدیدار می‌گردد. بدین ترتیب گویش صورت تغییر یافته‌ای از یک زبان است که برای سخنگویان دیگر صورت‌ها قابل فهم نیست، مانند طبری، گیلکی، کردی و پشتو که مشتق از زبان ایرانی قدیم‌اند.

لهجه صورت تغییر یافته‌ای از یک زبان است که برای سخنگویان دیگر صورت‌های آن زبان قابل فهم باشد، مانند مشهدی، یزدی، کرمانی، شیرازی، فارسی افغانی (دری افغانی) و تاجیکی که مشتق از زبان فارسی دری‌اند." [کلباسی، ۱۳: ۱۳۷۰]

۶- دکتر محمد دبیر مقدم: به نظر ایشان:

۱. زبان (language): دو گونه زبانی که در آن سخنگویان فهم متقابلی از یکدیگر ندارند.
۲. گویش (dialect): دو گونه از زبان که سخنگویان درک متقابلی دارند، اما در عین حال بین آن دو گونه تفاوت‌های آوایی و واجی و واژگانی و یا دستوری دیده می‌شود.

۳. لهجه (accent): دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند، اما در عین حال بین آن دو گونه فقط تفاوت‌های آوایی (و واجی) دیده می‌شود و لهجه‌های یک زبان‌اند.

گونه (variety): اصطلاحی است خنثی، که همچنان که در تعریف زبان، گویش و لهجه مشاهده می‌کنیم، می‌توان آن را به عنوان اطلاق کلی به کار برد." [دبیر مقدم، ۱۲۰: ۱۳۸۷]

نکته جالب در انگاره‌های زبان‌شناسان ایرانی این است که بعضی از آن‌ها پاره‌ای از اصطلاحات را در تعاریف خود نمی‌گنجانند، مانند دکتر خانلری که اشاره‌ای به گویش نمی‌

کند. این بدان معنی است که در زبان فارسی حتی نمی‌توان به تعریف واحدی دست یافت که بر اساس آن بتوان یک مقایسه علمی در زبان‌های فارسی و روسی ارائه داد. مگر آنکه محقق خود تعریفی مشخص کرده و آن را به عنوان معیار کار خود قرار دهد. در ضمن همانگونه که واضح است، هر چه به زمان معاصر نزدیک می‌شویم، تعاریف‌های دقیق‌تر و سنجیده‌تری از اصطلاحات مورد بحث ارائه می‌شود. در مجموع می‌توان به این موضوع اشاره کرد که پژوهش‌های دکتر دبیری مقدم جامع‌ترند.

در ادامه با نتیجه‌گیری از تعاریف ارائه شده در بالا، تعریف انتخاب شده‌ای ارائه خواهیم داد:

زبان: سخن‌گویان به دو زبان متفاوت که هیچ‌گونه درکی از یکدیگر از طریق زبانی ندارند که البته این بیگانگی، شامل خواندن نیز می‌شود.

گویش: زیر مجموعه‌ای از زبان است که سخنگویان درک متقابلی دارند، ولی تفاوت‌های آوایی و واجی و واژگانی و یا دستوری حتی در نوشتار دیده می‌شود.

لهجه: زیر مجموعه‌ای از گویش است که طی آن سخنگویان به دو لهجه از یک گویش، درک متقابلی از یکدیگر داشته و تنها تفاوت‌های آوایی دارند. برای مثال؛ کشیدگی بیشتر برخی از حروف مصوت یا تلفظ ریتمیک آن‌ها در مقایسه با لهجه دیگر از یک گویش.

گونه: اصطلاحی است خنثی که به تجمیع پاره‌ای از گویش‌های نزدیک به هم اشاره می‌شود. در زبان روسی اما تعاریف به اندازه زبان فارسی متفاوت نیستند:

۱- طبق تعریفی که بولاتووا زیر نظر کاساتکین ارائه می‌کند:

"گووار (говор): کوچکترین تفاوت منطقه‌ای زبان را معمولاً گووار می‌نامند. بنابر این، برای مثال؛ گوواری از یک و یا چند روستا می‌تواند وجود داشته باشد، اگر در این روستاها (تقریباً) یکسان صحبت کنند.

نارچیه (наречие): گووارها می‌توانند در گروه‌های مشابه که دارای اختلافات زیادی نیستند، طبقه بندی شوند. از بین این گروه‌ها، بزرگترین‌ها را نارچیه می‌نامند. در زبان روسی دو نارچیه وجود دارد: نارچیه شمالی و نارچیه جنوبی،

اما گووارها بسیار متنوع‌اند. اصطلاح دیالکت (диалект) در هر سه مفهوم یعنی گووار، گروه گووارها و نارچیه استفاده می‌گردد. " [بولاتووا و دیگران، ۱۹۵۷: ۶۵].

۲- گانچارووا در مقاله مفهوم نارچیه، دیالکت و گووار، نظرات ک. و. گارشکوف را بررسی می‌کند:

"گووار: کوچکترین جزء دیالکت می‌باشد که از نظر ویژگیهای زبانی همگون و یکدست می‌باشد. گووار وسیله ارتباطی ساکنین محدوده بسیار کوچک و یا مرکز تراکم جمعیت می‌باشد. برای بیان مفهوم گووار همچنین می‌توان از دیالکت استفاده نمود.

دیالکت (از کلمه یونانی *dialectos* - به معنی صحبت، گووار و نارچیه): بخشی از زبان می‌باشد که بوسیله سیستم تغریبا یکسانی معرفی می‌شود (از نظر آوایی، گرامری و واژگان) و برای ارتباط بدون واسطه بین افرادی که در محدوده مشخص محدودی قرار دارند استفاده می‌شود. دیالکت جزئی از تشکیلات زبانی بزرگتری که بوسیله دیالکت‌های دیگر معرفی می‌شود و با آنان ویژگی‌های مشترکی دارد می‌باشد.

نارچیه: بزرگترین واحد تقسیم دیالکتی زبان می‌باشد، یعنی ارائه‌کننده مجموع چند دیالکت می‌باشد. برای مثال نارچیه‌های بزرگ روسی شمالی و جنوبی. برای بیان نارچیه همچنین می‌توان از اصطلاح دیالکت استفاده کرد. "

[گانچارووا، ۲۰۱۵: ۵۳]

۳- ایوانیتسکایا ی. ان در کتاب دیالکتولوژی روسی با بررسی انگاره‌های دیگر زبان‌شناسان روس بیان می‌دارد:

"برای بیان تفاوت مکانی زبان بدون توجه به گستره و محدوده تعلق مکانی از اصطلاح دیالکت استفاده می‌شود... برای استفاده از واحد زبانی مشخصی که وسیله ارتباط ساکنین یک‌ده، روستا، منطقه‌ای می‌باشند اغلب از اصطلاح گووار استفاده می‌شود... تقسیمات بزرگ زبان که گروه گووارها را بر اساس نشانه‌هایشان دسته‌بندی می‌کنند، نارچیه نامیده می‌شوند. " [ای. ان. ایوانیتسکایا، ۲۰۱۳: ۶۵]

با توجه به تعاریف گفته شده در زبان روسی که تقریباً یکسانند، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که:

گووار کوچک‌ترین جزء در بررسی تفاوت‌های آوایی و دستوری و ... از زبان معیارست.

دیالکت دارای دو مفهوم؛ یکی به معنای همگی

تفاوت‌های آوایی و دستوری و غیره از زبان معیار بوده و دیگری به مفهوم جامع‌تری از گووار، یعنی گووارهای بسیار نزدیک به هم استفاده می‌شود.

نارچیه به معنای تجمیع گووارهای نزدیک به یکدیگر است، اما این نزدیکی نسبت به نزدیکی گووارهایی که در یک دیالکت بخش‌بندی می‌شوند، کمتر است.

۵. تقسیم‌بندی گونه‌ها، گویش‌ها و لهجه‌ها در

زبان‌های روسی و فارسی

در باره گویش‌ها و لهجه‌های زبان فارسی باید به این موضوع اشاره کرد که بسیار گسترده هستند و متاسفانه مانند زبان روسی تقسیم‌بندی خوبی در مورد آن‌ها صورت نگرفته است. اما به‌طور کلی می‌توان گفت که در مرکز، جنوب و شرق ایران گویشی به‌عنوان گویش فارسی بین فارس‌ها وجود دارد که شامل لهجه‌های یزدی، اصفهانی، سمنانی، مشهدی و ... می‌شود. در باره غرب ایران؛ می‌توان به گویش بزرگ کردی اشاره کرد که خود شامل لهجه‌های گوناگونی است. در شمال ایران نیز گویش گیلکی وجود دارد که تفاوت‌های آشکاری با گویش مرکزی و غربی ایران دارد.

در زبان روسی اما گویش‌ها و لهجه‌ها را به‌خوبی طبقه‌بندی کرده‌اند:

میشرسکی در دیالکتولوژی زبان روسی بیان می‌کند که: "زبان روسی معاصر از نظر تاریخی از ترکیب دو نارچیه اصلی بوجود آمده است: نارچیه روسی شمالی و نارچیه روسی جنوبی. در نتیجه نفوذ مشخصات یک نارچیه در دیگری، گووارهای انتقالی روسی مرکزی، که موقعیتی مابین دو نارچیه شکل گرفته از نظر تاریخی از زبان روسی داشتند بوجود آمدند.

۱- نارچیه شمالی تلفظ *o* (او) را نه تنها تحت ضربه که در مابقی شرایط در خود نگه داشته است (اوکانیه - *Оканье*) یعنی تلفظ *o* به جای *a*) نارچیه جنوبی و همچنین گووارهای انتقالی که زبان ادبی روسی بر اساس آن‌ها بنا شده، اوکانیه را از دست داده‌اند و انواع مختلفی از آکانیه (*Аканье*) را جایگزین کرده‌اند.

۲- نارچیه شمالی روسی مشخصه تلفظ مصوت *Г* (گ) را به صورت انفجاری دارد (البته این تلفظ در گووارهای

مرکزی و زبان معیار نیز رعایت می‌شود.) نارچیه جنوبی از مصوت γ (Фрикативный γ -e) استفاده می‌کند.

۳- نارچیه شمالی (و گووارهای مرکزی بعلاوه زبان معیار) در انتهای صرف فعلی سوم شخص جمع شمار حال و آینده ساده مصوت T (ت) بدون نرمی را دارند، برای مثال *говорит*. نارچیه جنوبی، اما تلفظی از مصوت نرم شده را ارائه می‌دهند: *говорить* که در واقع مانند مصدر فعل تلفظ می‌گردد.

۴- در نارچیه شمالی (همچنین در گووارهای مرکز و زبان معیار) فرم حالت زایشی (Родительный падеж) یا حالت مفعولی (Винительный падеж) ضمیر شخصی اول شخص و دوم شخص شمار مفرد و همچنین ضمیر انعکاسی با واکه *a* (آ) یا *я* (ا) در انتها ارائه می‌دهند *меня* *тебя себя* اما در گووارهای جنوبی این فرم‌ها با مصوت انتهایی *e* (ی) ارائه می‌شوند *мене тебе себе* " [دیالکتولوژی روسی، میسرسکی ۱۹۷۲:۳۷]

برای درک بهتر تفاوت‌های تلفظی در زبان روسی، مثالهای دیگری ذکر می‌شود:

"در زبان روسی دو گویش بزرگ وجود دارد. گویش مسکویی و پتربورگی. علی‌رغم اشتراک در تبعیت از نظام آوایی زبان روسی، تفاوت‌هایی به شرح زیر بین این دو گویش وجود دارد:

الف) تلفظ */e/* به جای تلفظ */и/* در محل هجای یکی قبل از ضربه پس از همخوان‌های نرم برای واکه‌های */a/*, */e/*:

تلفظ مسکویی	/и/ : - ведú / видú/
تلفظ پتربورگی	/e/ : - ведú / ведú/
تلفظ مسکویی	/и/ : - часы́ / чисы́/
تلفظ پتربورگی	/e/ : - часы́ / чесы́/
تلفظ مسکویی	/и/ : - пята́к / пита́к/
تلفظ پتربورگی	/e/ : - пята́к / пета́к/

ب) تلفظ */e/* به جای تلفظ */ь/* در هجاها بعد از ضربه پس از همخوان‌های نرم برای واکه‌های */a/*, */e/*:

تلفظ مسکویی	пла́чет : / пла́чѣт/
تلفظ پتربورگی	пла́чет : / пла́чет/
تلفظ مسکویی	па́мять : / па́мѣт/
تلفظ پتربورگی	па́мять : / па́мет/

ج) تلفظ */e/* به جای تلفظ */ь/* در هجاها بعد از ضربه پس از همخوان‌های نرم برای واکه */e/*:

تلفظ مسکویی	по́ле : / по́ль/
تلفظ پتربورگی	по́ле : / по́ле/
تلفظ مسکویی	мо́ре : / мо́рь/
تلفظ پتربورگی	мо́ре : / мо́ре/

د) تلفظ */a/* به جای تلفظ */ь/* در هجاها بعد از ضربه

برای تلفظ پایانه صرفی افعال صرف دوم:

تلفظ مسکویی	хо́дят : / хо́дѣт/
تلفظ پتربورگی	хо́дят : / хо́дат/

ه) روی ندادن حذف کامل واکه در هجای دوم قبل از

ضربه و در هجای پس از ضربه که واکه آن هجا پس از همخوانی خیشومی قرار گرفته باشد.

проголода́лись : / прьгъл\дал'ьс' /
تلفظ مسکویی

проголода́лись : / прьгъл\дал'ьс' /
تلفظ پتربورگی

ба́рышни : / ба́ршн'ь /
تلفظ مسکویی

ба́рышни : / ба́рьшн'ь /
تلفظ

پتربورگی " [ولی پور، ۱۵۶-۱۵۷: ۱۳۹۳]

چنان که گفته شد، در زبان روسی، برگرفته از انگاره‌های

میشرسکی، گروه گویش‌ها به سه دسته (گونه) شمالی، جنوبی و گویشهای مرکزی روسیه تقسیم بندی می‌شوند. گویش‌های مرکزی در واقع چیزی بین گویشهای شمالی و جنوبی‌اند. افزون بر مطالب گفته شده در بالا، به عنوان ویژگی‌های نارچیه‌های شمالی و جنوبی، می‌توان به موارد زیر به عنوان ویژگی گویش‌های شمالی و جنوبی اشاره کرد.

از دیگر ویژگی گویش‌های شمالی می‌توان به موارد زیر

اشاره کرد:

۱. آنچه که به عنوان *оканье* نامبرده می‌شود یعنی

حرف صدا دار *o* در هر جای کلمه به همان صورت

الفبایی تلفظ می‌شود و تشابهی با *a* پیدا نمی‌کند.

۲. حذف *й* در آخر کلمات: *молода жена*

۳. تلفظ کشیده *м* به هنگام ترکیب با *б* : *омман*

بجای *обман*

۴. ضربه روی بن در کلمات *во́лки*, *во́ры*,

۵. تطابق حالت های همراهی و مفعول به واسطه، در

اسامی و صفت ها

доверять своим рукам — делать своим рукам.

مشخصه های اصلی گویش های جنوبی:

۱. ترکیب o ar بدون ضربه: в[а]дá, тр[а]вá

۲. وجود яканье: [в'а]дú, [н'а]сú, п[л'а]сáть

۳. استفاده از x بجای г: но[γ]á — нó[x], дрú[γ]а — дрú[x].

"این مسئله در ضرب المثل روسی مرکز به خوبی دیده می شود: старый друг лучше новых двух

جایی که друг → дрú[x] با شکل двух قافیه

درستی به دست داده اند. " [مدائینی، ۱۳۷:۱۳۹۷]

۴. اسامی جنس مونث در صرف ۱ پایانه صرفی e می گیرند: у женé, с работé

۵. پایانه صرفی (-и (-ы)) برای اسامی خنثی در حالت فاعلی شمار جمع: ПЯТНЫ, ÓКНЫ

۶. گفتاری درباره همانندی گویش ها و لهجه ها

در زبان های روسی و فارسی.

ایجاد تطابق بین طبقه بندی گویش های زبان فارسی و روسی بسیار دشوار است، چراکه طبقه بندی آن ها بسیار متفاوت است. اما با بررسی برخی از لهجه ها و گویش های زبان فارسی، به این نتیجه می رسیم که بسیاری از آن ها هنوز درون خود ساختارها و کلمات زبان پارسی قدیم را که شاخه ای از زبان های هند و اروپایی بوده، حفظ کرده اند. پر واضح است که این شباهت ها می توانند نزدیکی زبان روسی و فارسی را نمایان تر کنند چرا که هر دو از زیر شاخه های زبان های هند و اروپایی اند. سخن گفتن از این همانندی ها بایسته کار میدانی و گسترده ای است، که در این پژوهش، به چند نمونه که در گویش و لهجه معیار، یعنی تهرانی یافت نمی شوند اشاره می شود:

۱- شباهت های واژگانی:

شباهت های واژگانی بین دو زبان بسیار مشهودترند،

حتی بدون دیدگاه زبانشناسی، بسیاری از آن ها را می توان یافت، چنین واژگانی در زبان معیار فارسی نیز وجود دارند: گفتن (говорить)، خواستن (хотеть)، دیدن (видеть) و ...

اما بعضی از کلمات در لهجه ها و گویش های مختلف فارسی، همیشگی با واژگان روسی را بهتر نمایان می کنند، برای نمونه:

در لهجه یزدی از کلمه خش بجای خوب استفاده می شود که نزدیکی به کلمه хорош را بهتر نشان می دهد.

در باره همین کلمه، باید به این موضوع اشاره کرد که در گویش مازندرانی نیز از کلمه خاس استفاده می شود. همخوان س نزدیکی بیشتری با همخوان ش نشان می دهد (در مقایسه دو کلمه خوب و хорош). در کل برخی از گویش ها و لهجه ها در زبان فارسی نزدیکی بیشتری با زبان روسی دارند، و البته از وام واژه هایی از زبان روسی استفاده می کنند، برای مثال، گویش مازندرانی: " گروه دیگری از واژه های دخیل روسی در گویش مازندرانی، واژه هایی را در بر می گیرد که نشانی از آن ها در زبان فارسی معیار دیده نمی شود و به احتمال فراوان، به طور مستقیم از روسی وارد گویش مازندرانی شده اند. " [گلکار، ۷۰: ۱۳۹۰] کلمه های مانند: لودکا (лодка)، اسپشکه (спичка) و ... که در گویش مازندرانی استفاده می شوند.

به عنوان نمونه ای دیگر از گویش های زبان فارسی می توان به گویش کردی اشاره کرد:

در گویش کردی واژه می دانی؟، با تلفظ: زانی؟ بیان می شود که بسیار شبیه به واژه знаешь؟ (زنايش؟) است. به عنوان مثالی دیگر می توان به کلمه ژنا اشاره کرد که جای واژه: زن жена (ژنا) استفاده می شود و نزدیکی به زبان روسی را بیشتر نشان می دهد. ضمن اینکه در این گویش تمایل به استفاده از مصوت ژ بیش از سایر گویش های زبان فارسی می باشد. این مصوت در زبان عربی وجود ندارد و در زبان فارسی معیار که بسیار تحت تاثیر زبان عربی قرار گرفته، عموماً تبدیل به ز شده است. در واقع یکی از علامت های تشخیص عربی نبودن کلمات فارسی، همین وجود حرف ژ می باشد.

۲- شباهت های دستوری:

یافتن شباهت های دستوری به مراتب سخت تر از

شباهت‌های آوایی و واژگانی است، دلیل آن نیز نبود دستور مکتوب و مدون به صورت کلی بین گویش‌ها و لهجه‌های زبان فارسی است، در ادامه مثالی در این باره ذکر می‌شود:

در لهجه اصفهانی، برای تقابل از حرف آ و دقیقاً به همان حالتی که در زبان روسی مقایسه صورت می‌گیرد، استفاده می‌شود:

من غذا می‌خوردم آ دوستم تلویزیون نگاه می‌کرد.

اگر این جمله را به زبان روسی ترجمه کنیم:

Я кушал, а мой друг смотрел телевизор.

۳- شباهت‌های آوایی:

نکته بسیار مهم در مورد شباهت‌های آوایی این مسئله می‌باشد که پاره‌ای از آن‌ها اتفاقی می‌باشند، اما تشابهات نظام‌مند بین دو زبان هم‌ریشه را بسیار سخت می‌توان اتفاقی دانست، برای مثال:

در لهجه یزدی و یکی از زیر شاخه‌های آن یعنی آنچه که در مهریز استفاده می‌شود، تمایل به استفاده از مصوت آ بجای ء بوفور دیده می‌شود و این شباهت بیشتری در آهنگ گفتار با زبان روسی که از ء استفاده نمی‌کند، ایجاد می‌کند:

دارام میرام (بجای دارم میرم)، بینام (بجای بینم) و ...

۷. نتیجه‌گیری

به‌عنوان نتیجه‌ای کلی از موضوع مورد بررسی در زبان فارسی و نیز روسی می‌توان چنین برداشت کرد که در زبان فارسی، گستردگی پژوهش‌های روی این موضوع با وجود تنوع فراوان در لهجه‌ها و گویش‌های زبان فارسی، کمتر از زبان روسی بوده و زبان روسی دارای تقسیمات جامع‌تری است که البته مورد توافق بیشتر زبانشناسان روسی نیز است، از این رو حتی برای جلوگیری از تکرار آرای زبانشناسان روس، از تعداد کمتری زبانشناس نقل قول گردیده است. در سوی مقابل، در زبان فارسی، نظریات به نسبت متنوع و اختلافات بیشتری داشته و وحدت نظر کمتری مشاهده می‌شود. دید علمی نیز در بین چندین زبانشناس ایرانی دیده نشده و آن‌ها بیشتر به صورت نظرات شخصی و حتی با شیوه نگارش غیر علمی دیدگاه خود را بیان کرده‌اند:

"به نظر ما زبان فارسی به طور اعم، زبان رسمی کشور

ایران است که... " [اشرف صادقی، ۶۲: ۱۳۴۹]

"... اگر مردم افغانستان و تاجیکستان تصور می‌کنند زبانی که حرف می‌زنند زبان افغانی و زبان تاجیکی است و فارسی نیست، دیگر ما حق نداریم ملاک‌های زبانشناسی را در مقابل آن‌ها بگذاریم..." [باطنی، ۲۹ و ۲۸: ۱۳۵۴].

بیشتر این نظرها، به چندین دهه پیش بر می‌گردد، و شاید از این رو چنین شیوه نگارشی چندان هم عجیب نباشد. بایسته یادآوری است که در میان زبانشناسان مطرح زمان حاضر، تنها تعداد بسیار اندکی چون دکتر دبیری مقدم به این موضوع پرداخته‌اند.

در زبان روسی، بر خلاف زبان فارسی، چنانکه گفته شد، دسته‌بندی جامعی در انواع گونه‌های زبان روسی وجود دارد: گونه‌های شمالی، جنوبی و لهجه‌های مرکزی که میان این دو گویش قرار می‌گیرند.

زبانشناسان روس، نه تنها اختلافات تلفظی بین این گویش‌ها را طبقه بندی کرده، که اختلافات دستوری را نیز مدون کرده‌اند، برای نمونه:

"در نارچیه شمالی (همچنین در گووارهای مرکز و زبان معیار) فرم حالت زایشی (родительный падеж) یا حالت مفعولی (винительный падеж) ضمیر اول شخص و دوم شخص شمار مفرد و همچنین ضمیر انعکاسی، واکه a (آ) یا я (یا) را در انتهای کلمه به‌عنوان پایانه واژه ارائه می‌دهند: меня, тебя, себя اما در گووارهای جنوبی این فرم‌ها با مصوت انتهایی e (ی) ارائه می‌شوند: мене, тебе, себе." [دیالکتولوژی روسی، میشرسکی ۳۷: ۱۹۷۲]

نکته بسیار جالب در طبقه‌بندی گویش‌ها و لهجه‌ها در زبان روسی، طبقه‌بندی جغرافیایی آن است. چنانکه در مقدمه نیز بیان شد گویش‌ها به دو دسته اجتماعی و جغرافیایی تقسیم می‌شوند که در زبان فارسی متأسفانه به صورت مدون ارائه نشده‌اند، هرچند گاهی بدان اشاراتی می‌شود:

"... بنابراین باید زبان و لهجه و گویش را در محدوده هر کشور، با در نظر گرفتن اوضاع زبانی (و احیاناً سیاسی)

آن تعریف کرد." [اشرف صادقی، ۶۲: ۱۳۴۹]

"... اما در کنار این گونه‌های فارسی، در بعضی شهرهای کوچکتر و روستاهای مجاور آن‌ها، یا در اطراف شهرهای بزرگ لهجه‌هایی وجود دارد که بدون اینکه مرز دقیقی آن‌ها را از گونه‌های نامبرده جدا کند با آن گونه تفاوت

"... یعنی می‌توان لهجه‌های فردی را به‌اعتبار تنوع جغرافیایی آن‌ها در گروه‌های بزرگتری قرار داد و هر گروه را یک لهجهٔ محلی نامید." [باطنی، ۲۴ و ۲۵: ۱۳۵۴]

این روش بیان تاثیر جغرافیا در پراکندگی گویش‌ها و زبان‌ها به‌هیچ وجه کامل نبوده و بخشبندی علمی گویش‌ها و لهجه‌ها را، آنگونه که در زبان روسی می‌بینیم، در پی ندارد، هرچند که به‌نظر نگارندگان، همان‌گونه که در متن مقاله نیز بدان اشاره شد، چنین امکانی برای طبقه‌بندی مناسب در زبان فارسی وجود دارد. دربارهٔ زبان فارسی، می‌توان سه‌گویش اصلی را در نظر گرفت: فارسی را در مرکز، شرق و جنوب ایران، گیلکی و مازندرانی در شمال و کردی و لری در غرب ایران. هر کدام از این گویش‌ها می‌توانند دارای لهجه‌هایی باشند که با یکدیگر خویشاوندی فزونتری نسبت به لهجه‌های دیگر گویش‌ها دارند. به‌عنوان نمونه؛ گویش فارسی می‌تواند شامل لهجه‌های اصفهانی، یزدی، کرمانی، خراسانی و ... باشد که نزدیکی زیادی به یکدیگر نشان می‌دهند.

از آنجا که موضوع اصلی این پژوهش، ارائه معادل‌یابی علمی برای چند اصطلاح پایه‌ای در زمینهٔ گویش و لهجه‌شناسی، براساس نظرات زبان‌شناسان مطرح در دو زبان فارسی و روسی است، در ابتدا نتیجه‌گیری از تعاریف و انگاره‌های زبان‌شناسان ایرانی بدین صورت ارائه می‌شود که: گویش: زیر مجموعه‌ای از زبان می‌باشد که سخنگویان درک متقابلی از یکدیگر دارند، اما تفاوت‌های آوایی، واجی، واژگانی و یا دستوری حتی در نوشتار دیده می‌شود.

لهجه: زیر مجموعه‌ای از گویش است که طی آن، سخنگویان به‌دو لهجه از یک گویش درک متقابلی از یکدیگر داشته و تنها تفاوت‌های آوایی موجود می‌باشد. برای مثال کشیدگی بیشتر برخی از حروف مصوت یا تلفظ ریتمیک آن‌ها در مقایسه با لهجهٔ دیگر از یک‌گویش.

گونه: اصطلاحی است خنثی که به‌گروه‌بندی پاره‌ای از گویش‌های نزدیک به هم اشاره دارد.

در زبان روسی نیز با بررسی‌های به‌عمل آمده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد:

گووار (говор): کوچکترین جزء در بررسی تفاوت‌های آوایی و دستوری و ... از زبان معیار است.

دیالکت (диалект): دارای دو مفهوم؛ یکی به‌معنای کلی تفاوت‌های آوایی و دستوری و غیره از زبان معیار بوده و دیگری به‌مفهوم جامع‌تری از گووار، یعنی گووارهای بسیار نزدیک به هم استفاده می‌شود.

نارچی (наречие): به‌معنای گروه‌بندی گووارهای نزدیک به یکدیگر استفاده می‌شود، اما این نزدیکی، نسبت به نزدیکی گووارهایی که در یک دیالکت دیگر بخش‌بندی می‌شوند، کمتر می‌باشد.

بنابراین با توجه به بررسی‌های انجام شده و تطابق تعاریفی که در متن تحقیق بدان پرداخته شده، اصطلاحات: گویش معادل диалект، لهجه معادل говор و گونه معادل наречие پیشنهاد می‌شوند. نکتهٔ مهم در بارهٔ معادل‌یابی لهجه در زبان‌های فارسی و روسی، توجه به این نکته می‌باشد که معمولاً در لغت‌نامه‌ها، واژهٔ روسی: акцент به‌عنوان معادلی برای واژهٔ فارسی لهجه معرفی می‌شود. اما باید توجه داشت که روس‌زبانان از واژهٔ مذکور تنها در بارهٔ یک‌خارجی که به‌زبان غیر مادری صحبت می‌کند و معمولاً تفاوت‌های ناخواسته تلفظی نیز دارد، استفاده می‌کنند، اما در زبان فارسی در بارهٔ یک‌خارجی که نمی‌تواند به‌زبان فارسی با همان تلفظ یک فارس‌زبان ایرانی صحبت کند، از همان کلمهٔ لهجه استفاده می‌شود، چرا که یک‌خارجی که تسلط کافی به‌زبان فارسی ندارد در واقع تفاوت‌های واژگانی و دستوری نظام‌مند با زبان معیار فارسی نداشته و تنها در تلفظ کلمات به‌صورت سهوی دچار تفاوت می‌شود.

لهجه‌ها و گویش‌ها تنها بیان‌کنندهٔ همانندی‌ها در زمینهٔ واژگان نبوده و شامل مسائل دستور زبان نیز می‌شوند؛ مانند: من غذا می‌خوردم آ دوستم تلویزیون نگاه می‌کرد.

اگر این جمله را به‌زبان روسی ترجمه کنیم:

Я кушал, а мой друг смотрел телевизор.

بیان اشتراکات در مقولهٔ دستور زبان بین گویش‌ها و لهجه‌های زبان‌های فارسی و روسی امری به‌مراتب پیچیده‌تر از مقولهٔ واژگان و آواشناسی است، چراکه دستور زبان بویژه در گویش‌ها و لهجه‌های زبان فارسی به‌صورت کلی مدون و مکتوب نشده و ساختار بندی نشده‌اند.

بررسی گویش‌ها و لهجه‌های زبان فارسی، چنانکه اشاره شد، همانندی‌های بیشتری بین دو زبان روسی و فارسی را نشان می‌دهد. این مسئله می‌تواند اثبات‌کنندهٔ نزدیکی این دو

زبان بوده و در مسائل آموزشی و ... کمک کننده باشد. برای مثال از این گونه پژوهش‌ها می‌توان در نگارش واژه نامه‌ها استفاده کرد. مسئله انگیزشی از دیگر تاثیرات بیان همبستگی و هم‌ریشگی چند زبان در آموزش و یادگیری است. دانستن

منابع

- آذرلی، غلامرضا (۱۳۸۷). فرهنگ واژگان گویش‌های ایرانی. تهران: هراز.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۵۴). مسائل زبانشناسی نوین. تهران: انتشارات آگاه.
- حسن دوست، محمد (۱۳۸۹). فرهنگ تطبیقی - موضعی زبان و گویش‌های ایرانی نو. تهران: فرهنگستان زبان فارسی.
- دیبری مقدم، محمد (۱۳۸۷). زبان، گونه، گویش و لهجه. ادب پژوهی. شماره پنجم. صفحات ۹۱-۱۲۸.
- زمانیان، مهدی (۱۳۹۳). جستاری چند در ریشه یابی گزیده ای از واژگان گویش همدانی. ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین. شماره اول. صفحه ۴۰-۶۱.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۴۹). زبان فارسی و گونه های مختلف آن. شماره دوم. صفحات ۶۱-۶۶.
- طلوعی هریس ایراندخت، حدادی محمدحسین (۱۳۹۲). بررسی انتقال گویش‌های اجتماعی از آلمانی به فارسی با استناد به ترجمه فرشته آبی، اثر هاینریش مان. پژوهش های زبانشناختی در زبان‌های خارجی. شماره ۱. صفحات ۴۱۱-۴۲۸.
- غلامی حسین، دادو حمیدرضا (۲۰۰۹). زبان‌های روسی و فارسی: همکاری و تاثیر پذیری دوجانبه فرهنگی و زبانی. پژوهش‌های زبان‌های خارجی. شماره چهل و هفتم. صفحات ۷۹-۹۲.
- کلباسی، ایران (۱۳۷۰). فارسی اصفهانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اکبرزاده، داریوش (۱۳۸۱). فرهنگ گویش سرزمینی ایران (ریشه شناسی). تهران: پازینه.
- Букринская И.А и ... (1994). *Язык русской деревни*. Москва: Аспект Пресс.
- Булатова, Л.Н. и ... (1975). *О русских народных говорах*. Москва: Просвещение.
- Гладкова Е.Л. (2001). Персидский язык - национальное достояние Ирана. Сердце сердцу весть подает, 5. -С. 23-26.
- Гончарова О.В. (2015). *Понятия «наречие», «диалект» и «говор» в отечественной лингвистике*. Филологические науки. Вопросы и практики, №7. -С.52-54.
- Группа писателей (1989). *Диалектологический атлас русского языка*. Москва: Наука.
- Группа писателей (2010). *Словарь русских народных говоров*. Санкт-Петербург: Наука.
- Иваницкая Е.Н. (2013). *Русская диалектология*. Москва: Академия.
- Касаткин Л.Л. (под редакцией) (2005). *Русская диалектология*. Москва: Академия.
- Мещерский, Н.А. (1972). *Русская диалектология*. Москва: Высшая школа.
- Розенталь Д.Э. Голуб И.Б., Теленкова М.А. (2005). *Современный русский язык*. Москва: Айрис-пресс.

فهرست منابع فارسی

گلکار آبتین، احمدی میریلا، سیده مهنا سید آقایی رضایی (۱۳۹۰).
بررسی وامواژه های زبان روسی در گویش مازندرانی. پژوهش
های زبانشناختی در زبان های خارجی. شماره ۲. صفحات ۶۷-
۷۹.

محمدی، زهرا و ... (۱۳۹۵). آرایش واژگان در گویشهای فارسی
خوزستان از منظر رده شناختی. فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه.
شماره ۱۱. صفحات ۱-۳۲.

مدرسی، یحیی (۱۳۹۶). درآمدی بر جامعه شناسی زبان. نوبت پنجم.
تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۴۷). زبانشناسی و زبان فارسی. تهران: انتشارات
بنیاد فرهنگ ایران.

ولی پور، علیرضا (۱۳۹۳). آواشناسی زبان روسی. نوبت چاپ اول و ...
تهران: انتشارات سمت.

مدائینی اول، علی (۱۳۹۷). واژه شناسی زبان روسی. تهران: انتشارات
سمت.